



بررسی تطبیقی زبان بدن در دو رمان *ایام‌معه* از کولیت خوری و *بامداد خممار* از فتانه حاج‌سیدجوادی

فروزان شهرکی^۱، عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی^{۲*}، علی‌اصغر حبیبی^۳

1. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

2. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل

3. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل

دریافت: 1397/3/30

پذیرش: 1397/12/18

چکیده

ارتباطات غیرکلامی، به‌مثابه یکی از شاخه‌های روان‌شناسی، گستره وسیعی از فعالیت‌های اندامی بدن را دربرمی‌گیرد که به آن «زبان بدن» می‌گویند. زبان بدن شامل پیام‌های افراد با نگاه‌ها، حالات چهره و ژست‌هاست که در متون ادبی به درک خواننده از متن کمک می‌کند.

در پژوهش حاضر تلاش شده است زبان بدن در رمان *ایام‌معه* (1960م) از کولیت خوری و *بامداد خممار* (1395) از فتانه حاج‌سیدجوادی، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی شود. زبان بدن در هر دو رمان کارکردی تقریباً یکسان دارد (12 درصد *ایام‌معه* و 10 درصد *بامداد خممار*). کاربرد فراوان مفاهیمی چون خوشحالی، خشم، ترس و اضطراب در رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های زنانه دو اثر موجب بازتاب گسترده آن‌ها در زبان چهره شخصیت‌ها (67 درصد *ایام‌معه* و 55 درصد *بامداد خممار*) شده است. چنین میزانی از کارکرد زبان چهره بدان سبب است که چهره معمولاً هنگام ارتباط بیشتر استفاده و دیده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: روابط غیرکلامی، زبان بدن، حالات چهره، رفتارهای حرکتی، *ایام‌معه*، *بامداد خممار*.

فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی
دوره 7، شماره 3، پاییز 1398، صص 196-221

1. مقدمه

1-1. بیان مسئله

«روان‌شناسی» و «ادبیات» رابطه‌ای متقابل دارند؛ بدین شکل که «روان انسان ادبیات را می‌سازد و ادبیات روان آدمی را می‌پروراند» (امامی، 1377: 119). «ادبیات در پی جلای روح بشر و از بین بردن احساسات منفی در اوست و روان‌شناسی سعی دارد احساسات لطیف را جایگزین احساسات منفی سازد» (شوقی، 1350: 32). این رابطه از یک سو مجاللی گسترده برای نوآوری در ژانرهای ادبی فراهم می‌کند و از دیگر سو تحلیلگر ابداعات برپایه نقد روان‌شناختی می‌تواند «توانایی حل و کشف بسیاری از معماها و مجهولات را پیدا کند و خواننده را به شناخت بسیاری از اسرار تکوین این آثار رهنمون سازد» (رجائی، 1378: 191).

روان‌شناسان فرایند ارتباط را به دو نوع «کلامی» و «غیرکلامی» تقسیم می‌کنند (ربایعه، 2010: 17) و بر این باورند که «ارتباطات انسانی محدود به حوزه کلام نیست؛ بلکه بخش چشمگیری از آن از طریق ارتباطات غیرکلامی صورت می‌گیرد» (الفارس، 1432: 5). این گونه ارتباط دارای شاخه‌های متعددی است که زبان بدن از مهم‌ترین آنهاست. زبان بدن «شامل تمامی جنبه‌های ارتباطی، به جز واژگان، است» (دویکات و ندی، 2016: 14)؛ بدین‌گونه که پیام‌رسان بی‌آنکه از گفتار سودی ببرد، پیام خود را به پیام‌گیر ارسال می‌کند (أحمد، 2002: 38). برای این کار، وی با سر اشاره و با لب، انگشت و چشم‌های خود نشانه‌های حاوی پیام را منتقل می‌کند. «حرکات اعضای بدن می‌تواند مبنای شکل‌گیری برداشت‌های دیگران درباره پیام‌رسان شود» (رضایی، 1393: 47). نشانه‌ها در ارتباطات روزمره «از یک سو جایگزینی برای پیام‌های کلامی است و از دیگر سو سبب تقویت آنها می‌گردد» (ربایعه، 2010: 20). از این رو زبان بدن در برخی از موقعیت‌ها به مراتب بیشتر از گفتار بیان‌کننده افکار و احساسات اشخاص است و می‌تواند «پیام‌های ویژه‌ای را منتقل کند که با زبان گفتار قابل بیان نیست» (العدوی محمد، 2016: 5). در توضیح می‌افزاییم که زبان بدن مسئله‌ای فرهنگی است. «ممکن است یک رفتار در یک فرهنگ حامل پیامی خاص در میان حاملان آن فرهنگ باشد، اما در بین اعضای فرهنگی دیگر دارای پیامی متفاوت باشد» (بیز، 1997: 11). بنابراین برای درک بهتر آن باید به چارچوب‌های فرهنگی افرادی که از آن زبان بهره می‌برند، نیز توجه کرد (کینزی جومان، 2010: 15).



زبان بدن، گذشته‌از اینکه در روابط اجتماعی کاربرد دارد، «در ژانرهای مختلف ادبی، از جمله نمایش‌نامه، رمان و شعر، به شکل متنوع قابل مشاهده است» (بهنام و دیگران، 1393: 36). در ادبیات داستانی، «استفاده‌ی درست از ارتباطات غیرکلامی به شخصیت‌پردازی، فضا‌سازی و در نتیجه به خواننده در درک اثر یاری می‌رساند» (آذری و نبیان، 1390: 1). از آنجا که زن‌ها در روابط روزمره بخش اعظمی از پیام‌هایشان را با نمادها، نشانه‌ها و عناصر غیرکلامی منتقل می‌کنند، «توانایی بیشتری برای درک زبان بدن نسبت به مردها دارند» (العدوی محمد، 2016: 13). این نوع پیام‌رسانی را در داستان‌هایی که زن‌ها می‌نگارند، به‌ویژه از زبان شخصیت‌های زنانه‌ی داستان، مشاهده می‌کنیم.

کولیت خوری (متولد 1937م)، داستان‌نویس و ناقد سوریه‌ای تبار و صاحب رمان مشهور *آیام‌معه*، و فتانه حاج سیدجوادی (متولد 1324)، داستان‌نویس و ناقد ایرانی و نویسنده‌ی رمان مشهور *بامداد خماری*، از معدود زنان رمان‌نویسی هستند که پیام‌هایی را از طریق اندام‌های بدن زن‌ها و در هیئت رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های زنانه‌ی داستان به مخاطب ارسال می‌کنند. در *آیام‌معه* و *بامداد خماری* سهم استفاده از حالات چهره، حرکات دست، حالات سر و رفتارهای حرکتی شخصیت‌های داستان به‌اندازه‌ای است که محور شناخت و ارزیابی شخصیت‌های دو اثر قلمداد می‌شود.

1-2. هدف و روش تحقیق

پژوهش حاضر برآن است انواع زبان بدن و کارکردهای آن را در شخصیت‌های زنانه‌ی دو رمان با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بررسی و مقصود دو نویسنده را از انتقال پیام در قالب رفتارهای غیرکلامی این شخصیت‌ها تبیین کند.

1-3. پرسش‌های تحقیق

در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

1. زبان بدن شخصیت‌های زنانه در کدام یک از رمان‌های *آیام‌معه* و *بامداد خماری* برجسته‌تر است؟

2. کدام یک از انواع زبان بدن شخصیت‌های زنانه در این دو رمان پرکاربردتر است؟

3. پربسامدترین کارکردهای زبان بدن شخصیت‌های زنانه در دو رمان کدام است؟

1-4. فرضیه‌های تحقیق

پژوهش برپایه فرضیه‌های ذیل شکل گرفته است:

1. زبان بدن شخصیت‌های زنانه در هر دو اثر بسامدی مشابه دارد.
2. به نظر می‌رسد حالات چهره از جمله برجسته‌ترین زبان بدن در دو اثر باشد.
3. بنابر درون‌مایه عاشقانه داستان *ایام‌معه*، گمان می‌رود کارکردهای مثبت زبان بدن در این اثر بیشتر از *بامداد خماری* باشد.

1-5. ضرورت و اهمیت تحقیق

تحقیق در روابط و مناسبات ادبیات ملت‌ها سبب آشنایی با مبادلات فکری و ادبی آن‌ها می‌شود و افزون‌بر اینکه بستری برای شناخت ادبیات خود فراهم می‌کند، به شناساندن ادبیات خود به دیگر ملل یاری می‌رساند. از موضوعات درخور بررسی در این عرصه مطالعه دنیای زنان و مناسبات فرهنگی است که زنان عرب‌زبان و فارسی‌زبان با آن برخورد می‌کنند. این مناسبات در حوزه ادبیات، به‌ویژه داستان‌های زنانه، جلوه‌ای ویژه دارد. این رفتارها ریشه در مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی مشترک میان عرب‌ها و ایرانیان دارد و مطالعه آن‌ها در شناخت زوایای پنهان این دو فرهنگ به ما کمک می‌کند.

1-6. پیشینه تحقیق

پژوهشگران عرب‌زبان درباره روابط غیرکلامی و بازتاب آن در متون ادبی بسیار تحقیق کرده‌اند؛ از جمله کالرو (2005م) در کتاب *كيف تقرأ أفكار الآخرين من خلال حركاتهم اذعان می‌کند که با بررسی حرکات بدن به رفتارها و افکار دیگران پی می‌بریم. ربایعة (2010م) در پایان‌نامه *لغة الجسد في القرآن الكريم* به رفتارشناسی زبان بدن شخصیت‌ها در داستان‌های قرآنی پرداخته است. الجبر (2014م) در مقاله «*لغة الجسد في التراث العربي*» به کارایی گسترده زبان بدن در گفتمان سه گروه ناقدان، فیلسوفان و ادبا می‌پردازد. شحرور (2009م) در کتاب *فن التواصل والإقناع دليلك إلى النجاح في العمل والمجتمع* رفتارهای غیرکلامی انسان‌ها و اسرار درونی آن‌ها*



بررسی

را

کرده است.

پژوهشگران فارسی‌زبان نیز به بازتاب زبان بدن در ژانرهای ادبی و متون مقدس پرداخته‌اند؛ از آن جمله است: مروتی و دیگران (1392) در مقاله «نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم» جایگاه ارتباطات غیرکلامی را در آموزه‌های دینی واکاویده‌اند. بهنام و دیگران (1393) در مقاله «گفتار بی‌صدا: تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس» نشانه‌های غیرکلامی را به انواع دیداری، آوایی و نشانه‌های مربوط به فاصله‌ی زبان بدن تقسیم می‌کنند و بسامد تکرار هر یک را با در نظر داشتن بافت غزل مولوی مشخص می‌کنند. باقری و زلیکانی (1394) در مقاله «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» به بررسی مصادیق زبان بدن، به‌مثابه یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی، می‌پردازند. قبادی و مهرجردی (1394) در مقاله «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ: نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان» معتقدند رمز ماندگاری شعر حافظ در وجوه کلامی آن خلاصه نمی‌شود و دلایل غیرکلامی نیز در ماندگاری آن نقش داشته‌اند.

با توجه به پیشینه یادشده، تاکنون هیچ پژوهشی به بررسی تطبیقی زبان بدن در داستان‌های زنانه عربی و فارسی، به‌ویژه آثار کولیت خوری و فتانه حاج‌سیدجوادی، نپرداخته است. بنابراین، پژوهش حاضر به‌درستی نخستین پژوهشی است که زبان بدن را به‌طور تطبیقی در آثار مذکور بررسی کرده است.

2. بحث

2-1. روان‌شناسی رفتاری

امروزه انسان‌ها در دورانی زندگی می‌کنند که «ارتباطات نقش بسزایی در تحقق اهداف آن‌ها ایفا می‌نماید» (مروتی و دیگران، 1392: 167). افراد به دو طریق کلامی و غیرکلامی ارتباط برقرار می‌کنند؛ ولی بخش درخور توجهی از ارتباطشان را رفتارهای غیرکلامی شکل می‌دهد (رضایی، 1393: 40). هر فرد در عرض چند لحظه با به‌کارگیری حرکات بدن پیام‌های متنوعی را به مخاطب ارسال می‌کند. در این نوع ارتباط، «از زبان گفتار و نوشتار استفاده‌ای نمی‌شود؛ زیرا اساس آن بر واژگان، جملات و عبارات استوار نیست» (محمد صالح، 2009:

11). با درک این تفاوت می‌توان گفت «ارتباط کلامی اساساً برای انتقال اطلاعات به‌کار می‌رود؛ درحالی که ارتباط غیرکلامی برای تبادل نگرش‌های میان‌فردی» (بیز، 1997: 8). روان‌شناسی رفتاری در پی ارزیابی همه جنبه‌های ارتباطی، از جمله واژگان، نحوه ادای کلمات، ژست‌ها و حرکات بدن پیام‌رسان، است. در این میان، توجه بیشتر این شاخه از روان‌شناسی بر رفتارهایی چون «لبخند زدن، نوع نگاه کردن، حرکات سر، دست دادن، تکان دادن شانه‌ها، در آغوش گرفتن» (عبدالله، 2004: 111) است. روان‌شناسان رفتاری معتقدند پیام‌های ارسالی حرکات بدن «بیشترین تأثیر مستقیم را بر پیام‌گیر دارد» (أحمد، 2002: 95)؛ زیرا پیام‌رسان توان پنهان کردن پیام‌های غیرکلامی را، همچون پیام‌های کلامی، ندارد.

برای تفسیر بهتر رفتارهای غیرکلامی باید به شرایطی که در آن‌ها حرکات بدن به‌کار رفته است، توجه کنیم؛ زیرا «خاستگاه جغرافیایی و قومی، موقعیت و طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات در برداشت معنای رفتارها مؤثر است» (حاجتی و رضی، 1391: 172) و می‌تواند «تصویر روشنی از فرهنگ پیام‌رسان و نحوه نگرش و دل‌بستگی‌های ویژه او در اختیارمان بگذارد» (حامد مطاوع، 2004: 4). بنابراین در روان‌شناسی رفتاری اگر همه عوامل در نظر گرفته نشود، «درک و فهم اشارات اعضای بدن کاری سخت محسوب می‌گردد» (کالرو، 2005: 14).

2-2. زبان بدن در آیامعه و بامداد خممار

زبان بدن شامل تمام پیام‌هایی است که افراد با حالات چهره، نحوه نگاه و حرکات بدن خود به دیگران منتقل می‌کنند (رضی و افراخته، 1389: 30) و تکنیکی برای معرفی شخصیت‌های داستانی و شیوه‌های پرداخت آن به‌شمار می‌آید. به‌دلیل حضور گسترده شخصیت‌ها در رمان، این ژانر ادبی خاستگاه ارتباطات غیرکلامی و به‌تبع آن زبان بدن شخصیت‌هاست. این امر زمانی جلوه می‌کند که بدانیم با توجه به تفاوت سبک نگارش زنانه و مردانه شیوه‌های کاربست انواع زبان بدن در هریک از این دو سبک متفاوت است. «زنان نویسنده در ارتباط کلامی شخصیت‌های داستان‌هایشان بیش از مردان از عوامل غیرزبانی، همچون اعضای بدن، لحن و آهنگ کلام، بهره می‌گیرند» (برهومة، 2002: 143)؛ زیرا «زنان از توانایی ذاتی برای درک و تفسیر علائم غیرکلامی برخوردار هستند» (بیز، 1997: 9).



زبان بدن که به حالات چهره، حرکات دست، حرکات سر و رفتارهای حرکتی تقسیم می‌شود، دارای کارکردهای متفاوتی است که در ادامه به بررسی تطبیقی برجسته‌ترین موارد آن در دو اثر مذکور می‌پردازیم.

2-2-1. حالات چهره

در روابط میان فردی حالات چهره از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا «این بخش از بدن در هنگام تعامل با دیگران بیشتر قابل رؤیت است» (ریچموند و مک‌کروسکی، 1388: 19). مخاطب از طریق حالات چهره بیشتر می‌تواند «به حالات درونی مخاطب و احساسات واقعی او پی ببرد» (ربایعه، 2010: 46)؛ زیرا در چهره هر فرد هیجانات اساسی «خشم، ترس، شادی، غم، تعجب و تنفر» (الفارس، 1432: 35) قابل مشاهده و درک است.

«خنده» از جلوه‌های هیجانات درونی مخاطب است که در موقعیت‌های متفاوت مفاهیم متعددی را دربرمی‌گیرد. خنده و حالات آن، به مثابه رفتاری غیرکلامی، دارای کارکردهای متعددی است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

جدول 1: کارکردهای زبان خنده در دو رمان

کارکرد	آیام معه	بامداد خماری	شماره
خوشحالی	ابتسمت بحنان. (ریم)	سودابه قهقهه زد.	256
تأیید کردن	ابتسمت ولم آرد. (ریم)	عمه خندید.	224
تمسخر	ابتسمت ساخره. (ریم)	پوزخندی از سر تمسخر زد. (مادر رحیم)	286
نامیدی	ابتسمت بخزن. (ریم)	پوزخند تلخی زدم. (محبوبه)	329
پنهان کاری	ضحکت بالرغم منی. (ریم)	با صدایی گرفته به زور خندید. (نزهت)	73

در ردیف 1، دو نویسنده برای بیان خوشحالی مفرط ریم و سودابه از اتفاق خوشایندی که برایشان رخ داده است، از زبان خنده (ابتسمت و قهقهه زدن) به گونه‌ای استفاده می‌کنند که گویای رضایتمندی آنان است. هر دو نویسنده با آگاهی از این مطلب که خنده در موقعیت‌های هیجان‌برانگیز به راحتی ایجاد و منجر به خالی شدن هیجانات درونی اشخاص می‌شود، از آن استفاده کرده‌اند. در ردیف 2، 3 و 4 نیز زبان خنده به‌تنهایی یا به‌همراه واژگانی به‌کار رفته است که بر تأیید، تمسخر و ناامیدی گوینده دلالت دارد و از طریق آن گوینده بدون گفتار قادر است با مخاطب ارتباط برقرار و پیام خود را به او منتقل کند. در ردیف 5، یکی از مرموزترین حالت‌های خنده (پنهان‌کاری) را مشاهده می‌کنیم. در مثال اول، ریم در شرایط دوگانه‌ای قرار گرفته است: از طرفی نمی‌خواهد با زیاد صحبت کند و از طرف دیگر نمی‌خواهد او را ناراحت ببیند؛ بنابراین با خنده‌ای خاص (ضحکت بالزغم منی) احساسات خود را پنهان می‌کند. در *بامداد خمار*، وقتی نزهت و خانواده‌اش از ماجرای علاقه‌محبوبه به آن نجار مطلع می‌شوند، نزهت برخلاف سایر اعضای خانواده سعی می‌کند با خنده دروغین (به‌زور خندید) احساساتش را پنهان کند. از نظر روان‌شناسان، «فردی که نمی‌خواهد احساسات واقعی خود را بروز دهد، به‌ویژه زمانی که قصد دارد خشم یا اندوه خود را پنهان کند، این صورتک خوشحال را بر چهره می‌زند» (کینزی جومان، 2010: 75).

با دقت در کارکردهای زبان خنده در *آیام‌معه* و *بامداد خمار* درمی‌یابیم که بخش درخور توجهی از انواع خنده در دو رمان حاوی پیام خوشحالی مفرط است (75 درصد *بامداد خمار* و 73 درصد *آیام‌معه*). این میزان کارکرد نشان می‌دهد که هر دو نویسنده قصد دارند با نادیده گرفتن فشارهای جامعه‌مردسالار و سختی‌هایی که زنان در چنین جامعه‌ای متحمل می‌شوند، نوعی خوشحالی را به شخصیت‌ها القا کنند. شایان ذکر است طیف معنایی خنده در این دو رمان بسیار متنوع است؛ به‌طوری که تقریباً یک‌چهارم از حالات چهره شخصیت‌های دو رمان (46 درصد *آیام‌معه* و 35 درصد *بامداد خمار*) صرفاً به زبان خنده اختصاص دارد.

«تماس چشمی» یکی از ظریف‌ترین ارتباط‌های غیرکلامی زبان نگاه است. اغلب افراد با برقراری تماس چشمی در عرض چند لحظه پیام‌های متفاوتی را، بسته به شرایط و موقعیت، به طرف گفت‌وگو منتقل می‌کنند. این پیام‌ها دلالت بر ترس، شادی، عشق، تمسخر یا خشم دارد.



جدول 2: کارکردهای زبان نگاه در دو رمان

ردیف	کارکرد	آیام معه	بامداد خمار	ردیف
1	تعجب	اتسعت عیونی. (ریم)	چشمانش گرد شده بود. (عصمت)	93
2	ایجاد ارتباط	نظرت إليها متسائلة. (ریم)	حیرت زده نگاهش می‌کنم. (محبوبه)	135
3	دقت	التقت نظراتنا. (ریم و زیاد)	هر دو به هم خیره شدیم. (محبوبه و رحیم)	72
4	بررسی کردن	تأملت في أنحاء الغرفة. (ریم)	نگاهی به چپ و راست کرد. (رحیم)	269
5	تفکر عمیق	تسمرت نظراتي علي المذیاع. (ریم)	به قالی جلوی پایم خیره شدم. (محبوبه)	80

در ردیف 1، ریم و عصمت بعد از شنیدن خبر عجیبی از مخاطب شگفت‌زده می‌شوند و نوع تعجبشان را با نگاهی حاوی باز شدن چشم و نشان‌دهنده تعجب («اتسعت عیونی» و «چشمانشان گرد شد») بروز می‌دهند. در ردیف 2، وقتی ریم و محبوبه علاقه‌مند به ادامه گفت‌وگو با مخاطب خویش‌اند، به‌جای زبان گفتار و درخواست ادامه گفت‌وگو از مخاطب به‌صورت صریح و با خیره شدن («نظرت إليها متسائلة» و «حیرت زده نگاهش می‌کنم») پیام را به مخاطب القا می‌کنند. در ردیف 3 و 4 نیز گوینده با نوع نگاهی که دال بر دقت و بررسی است و بی‌آنکه از زبان گفتار بهره‌ای ببرند، مقصود خویش را به مخاطب ارسال می‌کنند. در ردیف 5، وقتی ریم و محبوبه قصد دارند عمیق‌تر درباره‌ی مطلبی بیندیشند، به‌جای بیان مستقیم و توصیف حالت خود با تکیه بر عباراتی که دال بر زبان نگاه است («تسمرت نظراتي علی المذیاع» و «خیره شدم») علاقه‌ی خویش را به تفکر عمیق به مخاطب منتقل می‌کنند.

با بررسی هر دو رمان شاهد استفاده‌ی فراگیر شخصیت‌ها از ارتباطات چشمی مناسب هستیم. این کارکرد بسته به بافت ارتباط حامل مفاهیم گوناگونی است؛ به‌طوری که تداوم تماس چشمی شخصیت‌های دو اثر منجر به ادامه‌ی گفت‌وگو و ابراز علاقه به طرف مقابل می‌شود و برعکس،

نبود تماس چشمی به قطع ارتباط و بی‌اعتمادی دو طرف می‌انجامد. در مقایسه استفاده از تماس چشمی شخصیت‌ها تقریباً هر دو رمان به صورت برابر حدود یک‌سوم حالات چهره را به خود اختصاص داده‌اند (31 درصد آیام‌معه و 37 درصد بامداد خماری). این میزان کارکرد نشان از تشابه دو رمان در استفاده از زبان نگاه دارد.

«گریه» واکنشی رفتاری است که «گاه در مواجهه با احساس اندوه و گاه از غلبه عواطفی دیگر، همچون شادی، ترس و درماندگی، بروز می‌کند» (کلاهیچیان و جمشیدی، 1392: 117). از نظر روان‌شناسی، گریه در سه سطح متفاوت روی می‌دهد: 1. شرایط فیزیولوژیکی موجب گریه می‌شود. 2. خلیقات، احساسات و حالات عاطفی منجر به گریه می‌شود. 3. احساسات ژرف‌تر ناشی از حالات عرفانی موجب گریه می‌شود (معتمدی، 1389).

جدول 3: کارکردهای زبان گریه در دو رمان

ردیف	کارکرد	آیام‌معه	بامداد خماری	ردیف
1	اندوه	اختلق صوتی بالعبرات. (ریم)	هق‌هق به گریه افتادم. (محبوبه)	84
3	شادی	تجمع الشکر دمعاً فی عینیه. (زیاد)	از شدت عشق و سرمستی اشکم سرازیر شد. (محبوبه)	32 9

در ردیف 1، وقتی ریم و محبوبه متوجه می‌شوند اتفاقی خلاف خواسته‌شان رخ داده است (مخالفت خانواده با کار کردن ریم در خارج از خانه و مخالفت خانواده با ازدواج محبوبه)، اندوهگین می‌شوند و اندوه خود را به‌جای بیان، با گفتار با گریه‌ای در هیئت زبان بدن ابراز می‌کنند. مخاطب با درک این مطلب که «هنگام گریه تغییراتی در ساختار بدن پدید می‌آید که حالت اندوه انسان به دیگران منتقل می‌شود» (عرفات الحلو، 2008: 42)، پیام نهفته در زبان گریه آن‌ها را دریافت می‌کند. در ردیف 2، نوع دیگری از گریه به‌کار رفته است: گریه‌ای که دلالت بر شادی فرد دارد؛ بدین شکل که زیاد و محبوبه به‌جای اینکه خرسندی خود را از اتفاق خوشایندی که برایشان رقم خورده است با زبان گفتار اعلام کنند، گریه می‌کنند و اشک شادی در چشمانشان نمایان می‌شود.



با بررسی فراوانی زبان گریه در دو رمان دریافتیم که این زبان به صورت تقریباً برابر حجمی اندکی از حالات چهره هر دو اثر (14 درصد *ایام‌معه* و 15 درصد *بامداد خمار*) را به خود اختصاص داده است. این نزدیکی فراوانی، مشابهت دو اثر را در استفاده از زبان بدن نشان می‌دهد. همچنین تقریباً 95 درصد از زبان گریه در هر دو رمان به کارکرد متعارف گریه (ابراز اندوه) اختصاص داده شده که علت آن درون‌مایه هر دو داستان است: آمیزه‌ای از غم و اندوهی که جامعه و اطرافیان بر شخصیت‌های زنانه داستان تحمیل می‌کنند.

«لب و دهان» نیز، مانند دیگر حالات چهره، دارای حالات و حرکاتی است که هرکدام از آن‌ها حاوی پیام‌های متعددی می‌تواند باشد. روان‌شناسان با تأکید بر این مطلب که لب و دهان در ارتباطات روزمره کارکرد مهمی دارند (نافارو، 2010: 200)، این عضو از بدن را «آوردگاه چهره» (ریچموند و مک‌کروسکی، 1388: 203) توصیف کرده‌اند که هریک از حالات آن «می‌تواند دلالت بر کسالت، علاقه، غم، شادی، تحقیر، تنفر، خشم، نافرمانی، تعجب و غیره داشته باشد» (همان، 204).

جدول 4: کارکردهای لب و دهان در هر دو رمان

شماره	کارکرد	<i>ایام‌معه</i>	<i>بامداد خمار</i>
1	اندوه	تقلصت شفتای. (ریم)	لب‌هایش می‌لرزید. (پدر محبوبه)
2	محبت	حین اقتراب منی وأمسك بیدی و قبلها. (زیاد)	مرا در آغوش گرفت و بوسید. (مادر منصور)
3	خشم	گزت اسنانها. (ریم)	دندان‌ها را چنان برهم فشرد... (مادر)

در ردیف 1، ریم و پدر محبوبه قصد ابراز اندوهی را دارند که نمی‌توانند در قالب عبارات بیان کنند؛ لذا برای انتقال احساس اندوه به مخاطب از زبان بدن لب و دهان بهره می‌گیرند («تقلصت شفتای» و «لب‌هایش می‌لرزید»). در ردیف 2، دو نویسنده به توصیف صحنه محبت‌آمیز میان زیاد و محبوبه (أمسك بیدی) و محبوبه و مادر منصور (مرا در آغوش گرفت و بوسید) می‌پردازند و آن را با زبان بدن لب و دهان (بوسیدن) تصویر می‌کنند («قبلها» و

«بوسید») تا به جای زبان گفتار و استفاده از واژگان محبت‌آمیز عمق احساسات شخصیت‌ها را با حالات لب و دهان آنان توصیف کنند. در ردیف 3، وقتی ریم و مادر محبوبه در معرض رفتار پرخاشگرانه مخاطب قرار می‌گیرند و قصد ابراز عکس‌العمل منفی خویش (خشم) را دارند، به جای ترسیم و توصیف این حالت و احساس در قالب زبان گفتار از زبان بدن لب و دهان «کزّت أسنانها» و «دندان‌ها را چنان برهم فشرد...» استفاده شده و شدت خشم آنان ترسیم شده است.

با بررسی زبان لب و دهان در دو رمان دریافتیم که در *بامداد خمار* از زبان بدن لب و دهان بیشتر از *آیامعه* استفاده شده است (9 درصد *آیامعه* و 13 درصد *بامداد خمار*) که این تفاوت ارتباط مستقیمی با تعداد بیشتر شخصیت‌های *بامداد خمار* از *آیامعه* دارد.

2-2-2. رفتارهای حرکتی

رفتارهای حرکتی به حالات راه رفتن، دویدن، نشستن و غیره اطلاق می‌شود که در ارتباطات روزمره، اطلاعاتی را درباره اخلاق، شخصیت افراد، روحیات و وضع روانی اشخاص منتقل می‌کنند (فرهنگی، 1373: 274). این نوع رفتار بدنی در خلال گفت‌وگوهای شخصیت‌های دو داستان به گونه‌ای مشهود است که پیام مورد نظر با ساختار مناسب به مخاطب القا می‌شود. نمونه‌مثال‌های زیر از جمله این موارد است:

جدول 5: کارکردهای رفتارهای حرکتی در هر دو رمان

ردیف	کارکرد	آیامعه	بامداد خمار	تکرار
1	عجله داشتن	هرعت إلى نادیا. (ریم)	دوان دوان وارد شدم. (محبوبه)	95
2	ترس	ارتجفت وار تبتکت نادیا. (ریم)	بدنم مثل بید می‌لرزید. (محبوبه)	47
3	علاقه	جلست إلى جانبه. (ریم)	برگشت و کنارم نشست. (عصمت)	355
4	استراحت کردن	ارتمیت علی الدیوان الأخضر. (ریم)	دراز کشیدم کنار پسر. (مادر)	660



360	راه می‌رفتم؛ می‌نشستم. (محبوبه)	131	آنا أروح وأجیء فی بیٹی. (ریم)	5	دغدغه فکری
-----	------------------------------------	-----	----------------------------------	---	------------

در مثال‌های بالا، شاهد بروز رفتارهای حرکتی متعددی از جانب شخصیت‌های زنانه داستان هستیم که هرکدام از آنان حاوی پیام‌هایی به مخاطب است. برای مثال در ردیف 2، ریم و محبوبه برای بیان شدت ترس خود به جای اینکه صریح و مستقیم از عباراتی استفاده کنند که بیانگر ترسشان باشد، از رفتار حرکتی («ارتجف» و «لرزیدن») استفاده می‌کنند. در ردیف 3، رفتار حرکتی نشستن کنار کسی («جلسْتُ إلى جانبه» و «کنارم نشست») نشان‌دهنده ابراز علاقه شخصیت داستانی به طرف مقابل است. در ردیف 5 نیز، آمدوشد ریم و محبوبه («أروح وأجیء») و «راه می‌رفتم؛ می‌نشستم» نشان از دغدغه فکری آنان دارد.

از مجموع بررسی‌ها در رفتارهای حرکتی دو رمان دریافتیم که این نوع زبان بدن با کارکرد متناسب (18 درصد *آیام‌معه* و 23 درصد *بامداد خمار*) گویای احساسات درونی شخصیت‌های داستان است؛ به گونه‌ای که به مخاطب اجازه می‌دهد با تحلیل رفتارهای حرکتی آنان درباره‌شان قضاوت کند؛ امری که به درک خواننده از دو داستان کمکی شایان می‌کند.

2-2-3. حرکات دست

از انواع دیگر زبان بدن که در ارتباطات غیرکلامی حامل پیام‌هایی به مخاطب است، حرکات دست است. حرکات دست که جایگزین خوبی برای زبان کلامی است، «در مواقعی بسیار صریح‌تر و نافذتر از کلام عمل می‌کند» (جلاس، 2008: 191). پیام‌های دست به مخاطب، بسته به بافت ارتباط، متفاوت است (أحمد، 2003: 22)؛ مثلاً دلالت بر محبت، اندوه، دوستی، قطع ارتباط، خشم و غیره دارد.

جدول 6: کارکردهای حرکات دست در دو رمان

ردیف	کارکرد	<i>آیام‌معه</i>	<i>بامداد خمار</i>	ردیف
1	محبت	ارتمت بین ذراعیه بطیش. (رانیه)	این بار با آغوش باز جلو آمد. (زن‌عمو)	12 6

2	خشم	ولكنني ظلت مطبقة أصابعي على المجلة (ريم)	118	کلاه را در دست می‌فشرد و می‌پیچید. (رحیم)	12 1
3	عکس‌العمل	كان مكثف اليدين. (ريم)	75	دست را به سینه زد. (محبوبه)	38

در ردیف 1، رانیه و زن‌عمو برای ابراز محبت به مخاطب به‌جای کاربرد عبارت‌های متعارف و توصیفی استقبال و خوشامدگویی با تکیه بر حرکات دست و بدن («ارتمت بین ذراعیه بطیش» و «با آغوش باز جلو آمد») حالت استقبال را به‌گونه‌ای عمیق‌تر به مخاطب منتقل می‌کنند. در ردیف 2، شکل توصیف انگشتان و فشردن یک شیء با آنها («مطبقة أصابعي على المجلة» و «کلاه را در دست می‌فشرد و می‌پیچید») دلالت بر خشم و عصانیت ریم و رحیم دارد که به‌نوعی جایگزین زبان گفتار شده است. در ردیف 3، وقتی ریم و محبوبه از رفتار مخاطبشان رضایت ندارند، به‌جای اینکه با زبان گفتار با مخاطب درآویزند، دست روی سینه می‌گذارند و به رفتار وی عکس‌العمل نشان می‌دهند.

با بررسی حرکات دست در دو رمان درمی‌یابیم که دو نویسنده با تصویرپردازی شیوه قرارگیری دست‌های شخصیت‌ها احساسات درونی آن‌ها را بازگو می‌کنند و شخصیت پنهانشان را به مخاطب عرضه می‌کنند. در بررسی کلی دریافتیم که میزان استفاده از حرکات دست در *بامداد خمار* بیشتر از *آیام‌عه* است (آیام‌عه 10 درصد و *بامداد خمار* 17 درصد). علت این امر در دو چیز خلاصه می‌شود: نخست، در تفاوت شیوه روایت دو رمان، به‌طوری که شیوه روایت در *آیام‌عه* اول‌شخص است و در *بامداد خمار* سوم‌شخص. در شیوه اول‌شخص که «روایت اغلب در راستای نمایش اعماق ذهن شخصیت داستانی و افکار گفته‌نشده او به‌کار می‌رود» (جنینت، 1997: 214) و همچنین شخصیت داستانی تلاش می‌کند «عملی انجام دهد و چیزی را قضاوت کند و نظرش را درباره آن بیان نماید» (الباردی، 2004: 3)، طبیعی می‌نماید که محور ارتباطات بیشتر بر پایه ارتباط کلامی باشد و به‌تبع آن حرکات سر نیز از نمود کمتری برخوردار باشد. از دیگر سو، روایت سوم‌شخص، در مقایسه با اول‌شخص، بیشتر بر پایه ارتباطات میان‌فردی است و اساس این گونه ارتباطی توأمان، آمیزه‌ای از ارتباط کلامی و غیرکلامی است (محمد، 2011: 114). علت دوم بسامد بالای کارکرد حرکات دست در *بامداد خمار* این است که در روابط غیرکلامی، دست بعد از صورت گویاترین عضو بدن است؛ به‌طوری که حاوی پیام‌هایی است که دیگر اعضای بدن توانایی انتقال آن را به مخاطب ندارند.



2-2-4. حرکات سر

حرکات سر نیز در بیان رفتارهای انسان نقش دارد و عامل مهمی در ارتباط میان افراد به‌شمار می‌آید. در فرهنگ‌های گوناگون، بسیاری از حرکات سر حاوی پیام یکسان است. برای مثال «اشاره با سر یا تکان دادن آن از سمتی به سمت دیگر حرکتی است که انسان‌ها در همه‌جای دنیا برای بیان مخالفت خود با چیزی از آن بهره می‌گیرند. همچنین وقتی شخصی سر خود را به‌آرامی تکان می‌دهد معمولاً بدین معناست که وی به سخن گوش فرامی‌دهد» (کینزی جومان، 2010: 84). سر شخصیت‌های *ایام‌معه* و *بامداد خمار* با اهداف متفاوتی حرکت می‌کند: در بعضی از موقعیت‌ها به‌منظور تأیید و یا رد پیام‌های کلامی است یا برحسب شرایط جایگزین زبان گفتاری می‌شود.

جدول 7: کارکردهای حرکات سر در هر دو رمان

ردیف	کارکرد	ایام‌معه	بامداد خمار	ردیف
1	تأیید	هزرت راسی بقبولیة (ریم)	سرم را به علامت مثبت تکان دادم. (محبوبه)	281
2	عکس‌العمل	رفعت راسی. (ریم)	باز سر بلند کردم. (محبوبه)	180
3	اندوه	هز راسه مُستنکرا. (زیاد)	با تأسف سرش را تکان داد. (رحیم)	362

در ردیف 1، وقتی ریم و محبوبه قصد تأیید رفتار مخاطب را دارند، به‌جای استفاده از زبان گفتار سر خود را تکان می‌دهند تا احساس درونی خود را به این رفتار بروز دهند. همچنین در ردیف 2، ریم و محبوبه با بلند کردن سر خود به‌سمت بالا تلاش می‌کنند عکس‌العمل خود را به رفتار نامناسب مخاطب نشان دهند. در ردیف 3 نیز، زیاد و رحیم با حرکت دادن سر به‌سمت چپ و راست و با پرهیز از استفاده از زبان گفتار، اندوه و افسوس خود را از رفتارهای نادرست مخاطب ابراز می‌کنند.

با بررسی حرکات سر در دو رمان چنین دریافتیم که زبان حرکات سر به‌صورت یکسان کمترین حضور را در هر دو اثر (5 درصد) دارد. این میزان کارکرد نشان از آگاهی هر دو

با نگاه به جدول بالا درمی‌یابیم که کارکردهای حرکات دست در هر دو رمان، از لحاظ فراوانی مشابهت تقریباً نزدیکی با یکدیگر دارند؛ اما تفاوت فاحش آن در میزان استفاده از برخی از کارکردهای منفی زبان دست است؛ بدین شکل که کارکرد خشم در *بامداد خمار* تقریباً 20 برابر *آیامعه* (67 برابر 3) و کارکرد اندوه 33 برابر آن (33 برابر 1) است. از دیگر سو، برخی از کارکردهای منفی زبان دست، همچون خجالت و مخالفت، هیچ فراوانی‌ای در *آیامعه* ندارد؛ اما در *بامداد خمار* دارای فراوانی نسبتاً زیادی است. علت آن در دو عامل وجود دارد: عامل اجتماعی و عامل فنی. عامل اجتماعی به شرایط و وضعیت جامعه‌ای برمی‌گردد که سیدجواد در *بامداد خمار* به تصویر می‌کشد؛ جامعه‌ای که بیشتر از جامعه *آیامعه* خفقان اجتماعی، آشفتگی روحی و فشارهای روانی بر زن‌های داستان دارد؛ لذا طبیعی می‌نماید که رفتارهای غیرکلامی دال بر خشم و انزجار زنان در این رمان پربسامدتر باشد. عامل فنی به زاویه دید داستان و موضوع آن برمی‌گردد. در *آیامعه* زاویه دید اول‌شخص است و این امر مانع از ارتباط‌های غیرکلامی بی‌شمار دست میان شخصیت‌های داستان می‌شود؛ اما در *بامداد خمار* سوم‌شخص بودن راوی و بیرونی بودن زاویه دید ارتباطات غیرکلامی دست بیشتری را میان شخصیت‌ها می‌طلبد. همچنین موضوع داستان *آیامعه* که بیشتر حول محور خاطرات گذشته شخصیت اصلی می‌چرخد و بیشتر رخدادها در قالب گفت‌وگوی درونی ارائه می‌شود، استفاده از ارتباطات غیرکلامی دست کمتری را ایجاب می‌کند.

جدول 11: کارکردهای حرکات سر در دو رمان

حرکات سر	فراوانی	نسبت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت	تفاوت
آیامعه	2	5	8	2							20
بامداد خمار	18	2	3	5	11	4	2	2	2	4	84



با توجه به جدول بالا، کارکرد اندوه در حرکات سر شخصیت‌های *بامداد خمار* بیشترین فراوانی را دارد؛ بدان سبب که اتفاقات این داستان بیشتر مربوط به کشمکش‌های درونی شخصیت‌های زنانه داستان با فضای جامعه مردسالار است. لذا از رخدادهایی که برایشان اتفاق می‌افتد بیشتر اندوهگین می‌شوند و به آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. درمقابل شخصیت‌های زنانه *آیام معه* به جای اینکه با حرکات سر واکنش نشان دهند و اندوهگین شوند، بیشتر نقش تأیید را بازی می‌کنند. این وجه تمایز نشان می‌دهد که زن‌های *آیام معه* سعی می‌کنند کمتر در تعارض با جامعه و افراد آن قرار گیرند؛ از این رو مصیبت‌هایی را که بر سرشان می‌آید، می‌پذیرند و تأیید می‌کنند. این درحالی است که زنان *بامداد خمار* در برابر چنین اتفاقات و طرز تفکراتی عصیان می‌کنند و به مخالفت و مقابله می‌پردازند.

4. نتیجه

پاسخ به سؤال اول پژوهش این است که زبان بدن در هر دو رمان تقریباً کارکردی یکسان دارد (12 درصد *آیام معه* و 10 درصد *بامداد خمار*). این تشابه بیان می‌کند که سبک نگارش دو نویسنده و همچنین طراحی الگوهای مناسب برای رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های داستان در هر دو اثر تقریباً یکسان است. جدول زیر گویای این موضوع است.

جدول 12: بسامد و درصد حضور زبان بدن در دو رمان

درصد حضور زبان بدن در رمان	کل واژگان سازنده زبان بدن	کل واژگان ¹	
12٪	5500	45000	<i>آیام معه</i>
10٪	10150	105000	<i>بامداد خمار</i>

پاسخ به سؤال دوم این است که پربسامدترین زبان بدن در دو رمان متعلق به حالات چهره (67 درصد *آیام معه* و 55 درصد *بامداد خمار*) و پس از آن رفتارهای حرکتی (18 درصد *آیام معه* و 23 درصد *بامداد خمار*) است. تشابه نزدیک در استفاده از این دو زبان بدن بیان می‌کند که در ارتباطات غیرکلامی، به‌ویژه زمانی که طرفین گفت‌وگو زن باشند، حالات چهره

بیشتر قابل رؤیت است و حالات نشستن، راه رفتن و ایستادن بیشتر قابل استفاده؛ به همین دلیل، مخاطب از طریق گریه، خنده و حرکات چشم و لب و دهان گوینده و همچنین رفتارهای حرکتی او پرده از حالات درونی و احساسات وی برمی‌دارد.

جدول 13: بسامد و درصد حضور انواع زبان بدن در دو رمان

جمع کل	حالات سر		حرکات دست		رفتارهای حرکتی		حالات چهره	
757	40		71		138		508	
%100	%5		%10		%18		%67	
1537	84		249		354		850	
%100	%5		%17		%23		%55	

پاسخ به سؤال سوم این است کارکردهای زبان بدن در *آیام‌معه* بیشتر در دایره مفاهیم مثبت، همچون خوشحالی، ابراز محبت، آرامش خاطر، دلداری، ایجاد ارتباط و اندیشیدن، قرار می‌گیرد؛ درحالی که کارکردهای زبان بدن در *بامداد خمار* بیشتر در دایره مفاهیم منفی، همچون خشم، انزجار، قطع ارتباط، ترس، اضطراب، اندوه، مخالفت و غرور، قرار دارد. علت اصلی این تفاوت در اختلاف دو رمان در زاویه دید، شرایط اجتماعی و روحیات شخصیت‌های زنانه آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که شخصیت‌های زنانه *آیام‌معه* بیشتر تأییدکننده و سازش‌طلب‌اند و در *بامداد خمار* بیشتر اندوهگین، مغرور و عصیانگرند.

جدول 14: بسامد کارکردهای مثبت و منفی زبان بدن در دو رمان

جمع کل		حالات سر		حرکات دست		رفتارهای حرکتی		حالات چهره	
-	+	-	+	-	+	-	+	-	+
369	540	18	27	20	69	56	82	275	362
1303	646	88	11	194	73	299	87	722	475



پی‌نوشت

1. با توجه به اینکه هر دو رمان اثری فیزیکی هستند و قابلیت تبدیل به فایل ورد و شمارش واژگان آن با کمک نرم‌افزارهای معتبر واژگان‌سنج مقدور نبود، کل واژگان و همچنین واژگان سازنده زبان بدن در این دو اثر دستی شمرده شد.

منابع

- آذری، پروا (1391). «مشخصه‌های زبان و روایت زنانه در داستان‌های نویسندگان زن». کتاب *ماه ادبیات*. ش 61. صص 29-38.
- آذری، غلامرضا و فاطمه نبیان (1390). «تحلیل محتوای ارتباطات غیرکلامی شخصیت‌های آثار برگزیده سیمین دانشور». *فرهنگ ارتباطات*. د 1. ش 2. صص 1-24.
- آرژیل، مایکل (1378). *روانشناسی ارتباطات و حرکات بدن*. ترجمه مرجان فرجی. تهران: دانژه.
- أحمد، محمد الأمين موسی (2002م). *الإتصال غیر اللفظي في القرآن الکریم*. الشارقة: دار الثقافة و الإعلام.
- امامی، نصرالله (1377). *مبانی روش‌های نقد ادبی*. تهران: دیبا.
- الباردی، محمد (2004م). *إنشائیة الخطاب في الرواية العربية الحديثة*. ط 1. تونس: مرکز النشر الجامعي.
- باقری خلیلی، علی‌اکبر و مرضیه زلیکانی (1394). «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی». *متن‌پژوهی ادبی*. د 19. ش 65. صص 79-99.
- برکو، ریام و دیگران (1386). *مدیریت ارتباطات*. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: پژوهش‌های فرهنگی.
- برهومة، عیسی (2002م). *اللغة والجنس: حفريات لغوية في الذکورة والأنوثة*. عمان: دارالشرق.
- بهنام، مینا و دیگران (1393). «گفتار بی‌صدا: تأملی بر زبان بدن در غزلیات شمس». *فنون ادبی*. دانشگاه اصفهان. د 6. ش 2. صص 36-48.
- بیز، آلن (1997م). *لغة الجسد كيف تقرأ أفكار الآخرين من خلال إيماءاتهم*. ترجمه سمیر شمخانی. بیروت: الدار العربية للعلوم.
- بیز، آلان باربرا (2008م). *المرجع الأكيد في لغة الجسد*. ریاض: مکتبه الجریر.
- الجیر، خالد عبدالرؤف (2015م). «لغة الجسد في التراث العربي». *فلسطین: مجلة جامعة القدس*. العدد 36. صص 11-50.

- جلاس، لیلیان (2008م). *أعرف ما تفكر فيه: أربع شفرات لقراءة الناس تحسن من حياتك*. طبع 10. رياض: مكتبة الجريد.
- جينيت، جيرار (1997م). *خطاب الحكاية: بحث في المنهج*. ترجمة معتصم، محمد و عبد الجليل الأزدي. القاهرة: المجلس الأعلى للثقافة.
- حاجتي، سميه و احمد رضی (1391). «کارکرد کنش‌های ارتباطی برون‌زبانی در داستان‌های مصطفی مستور». *کاوشنامه زبان و ادبیات فارسی*. دانشگاه یزد. د 13. ش 25. صص 165-196.
- حامد مطاوع، أنمار (2004م). *الاتصال غير الكلامي*. الرياض: دار عالم الكتب.
- حسام‌زاده، منصور همایون (1389). *زبان بدن: ارتباط غیرکلامی و کلامی*. ج 2. تهران: پورنگ.
- دویکات، فخری مصطفی و یحیی محمد ندی (2016م). «درجه التوافر مهارات التواصل بلغة الجسد لدى معلمي المدارس الحكومية الأساسية في شمال الضفة الغربية من وجهة نظرهم». *مجلة جامعة فلسطين التقنية للأبحاث*. العدد 2. صص 50-62.
- ربابعة، أسامة جميل عبد الغني (2010م). *لغة الجسد في القرآن الكريم*. رسالة الماجستير. فلسطين: جامعة النجاح الوطنية.
- رجائي، نجمه (1378). *آشنایی با نقد ادبی معاصر عربی*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رضایی، ایرج (1393). «نقش رفتارهای غیرکلامی در ارتباطات انسانی از منظر آیات و روایات اسلامی». *بصیرت و تربیت اسلامی*. سازمان عقیدتی سیاسی ناجا. د 11. ش 31. صص 47-72.
- رضی، احمد و الهیار افراخته (1389). «تحلیل روابط برون‌زبانی در روایت بیهقی از بر دار کردن حسنگ وزیر». د 18. ش 69. صص 29-58.
- ریچموند، ویرجینیایی و جیمزسی مک‌کروسکی (1388). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان‌فردی*. ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیلا عبدالله‌پور. ج 2. تهران: دانژه.
- شحرور، لیلی (2009م). *فن التواصل والإقناع دليلك إلى النجاح في العمل والمجتمع*. بیروت: دار العربية للعلوم.
- شوقی، عباس (1350). *فردوسی پاکزاد*. تهران: مؤسسه مطبوعات عطائی.
- عبدالله، عودة (2004م). «الاتصال الصامت وعمقه التأثيري في الآخرين في ضوء القرآن الكريم والسنة النبوية». *بیروت: المسلم المعاصر*. السنة 7. العدد 112. صص 103-133.
- العدوي محمد، عفاف (2016م). *لغة الجسد*. ط 1. بیروت: دار الساقی.
- عرفات الحلو، فاطمة (2008م). *الاتصال الصامت وتأثيره في الآخرين*. رسالة الماجستير. غزة: جامعة الإسلامية.
- عقيل، محسن (2010م). *موسوعة الفراسة في معرفة لغة الجسد*. بیروت: دار المحجة البيضاء.
- الفارس، فاطمة رضا (1432ق). *ورشة العمل*. جامعة الملك سعود.
- فرهنگي، علی اکبر (1373). *ارتباطات انسانی*. تهران: تایمز.



- قبادی، علی‌رضا و مسعود زارع مهرجردی (1394). «ارتباطات غیرکلامی در شعر حافظ: نقش ارتباطات غیرکلامی در تفسیر و پذیرش حافظ از سوی مخاطبان». *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. د. 8. ش. 1. صص 119-154.
- کالرو، هنری (2005م). *کیف تقرأ أفكار الأخرین من خلال حرکاتهم*. ترجمة مجموعة من المترجمین. طبع 5. دمشق: دار الفاضل.
- کلاهچیان، فاطمه و زهرا جمشیدی (1392). «بررسی کارکرد رفتارها و ارتباطات غیرکلامی در شازده احتجاب». *جستارهای داستانی در ادب فارسی*. دانشگاه رازی. د. 1. ش. 3. صص 111-134.
- کونکه، الیزابت (1392). *زبان بدن به زبان آدمیزاد*. ترجمه زهرا نعمتی. ج. 2. تهران: هیرمند.
- کینزی جومان، کارول (2010م). *لغة الجسد: علم وأسرار لغة الجسد في العمل*. کویت: مكتبة الجریر.
- منتری، حلیم (1940م). «علم النفس وأثره في الأدب والإجتماع». *القاهرة: المجلة*. العدد 40. صص 40-55.
- محمد صالح، عماد فاروق (2009م). *أساليب الاتصال غیر اللفظي و زيادة فاعلية اجتماعات الجماعات الصغيرة*. رسالة الماجستير. عمان: جامعة السلطان قابوس.
- محمد، بشری یاسین (2011م). *روایات حنان الشیخ دراسة في الخطاب الروائي*. بغداد: دار الشؤون الثقافية.
- مروتی، سهراب و دیگران (1392). «نوع‌شناسی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی در قرآن کریم». *دین و ارتباطات*. دانشگاه امام صادق (ع). د. 20. ش. 43. صص 167-193.
- معتمدی، غلام‌حسین (1389/2/26ش). «روانشناسی گریه». *روزنامه همشهری*: www.hamshahrionline.ir
- نافارو، جو (2010م). *ما یقولہ کل جسد*. ط. 2. الرياض: مكتبة الجریر.
- نیک‌دار اصل، محمدحسین و محمدهادی احمدیانی (1395). «تحلیل ارتباطات غیرکلامی در بوستان سعدی». *شعریژوهی*. دانشگاه شیراز. د. 8. ش. 1. صص 186-210.